

نقد و بررسی منابع استنادی در مقالات علمی پژوهشی

زبان و ادبیات عربی

دکتر صادق عسکری^۱

استادیار دانشگاه سمنان

(از ص ۱۵۳ تا ص ۱۷۴)

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۸/۲۹

چکیده

یکی از مهمترین وظیفه پژوهشگران پس از انتخاب موضوع تحقیق، جستجو برای یافتن منابع و مراجع مختلف جهت جمع آوری معلومات و اطلاعات لازم پیرامون موضوع است. شکی نیست که هر اندازه این جستجو وسیع تر و دقیق تر باشد، ارزش و اعتبار تحقیق بیشتر خواهد بود. بر همین اساس باید گفت که تعداد و تنوع و اعتبار منابع استنادی، یکی از معیارهای ارزشیابی تحقیقات دانشگاهی است.

بررسی بیش از ۸۵ مقاله علمی- پژوهشی زبان و ادبیات عربی که در مجلات معتبر کشور چاپ شده است نشان می دهد که صرف نظر از وجود تعدادی مقالات علمی پژوهشی قابل قبول که تا حدودی دارای استانداردهای لازم بوده و به عنوان الگویی مناسب برای پژوهشگران ذکر گردیده اند، ضوابط و معیارهای علمی در خصوص ضرورت و کیفیت استناد به منابع متنوع، در بسیاری از مقالات علمی رعایت نشده است.

در نتیجه بسیاری از مقالات علمی پژوهشی زبان و ادبیات عربی دارای کاستی های فراوانی مانند: تکیه بیش از حد بر منابع دست دوم و کم اهمیت است؛ که ناشی از عدم توجه به جایگاه منابع و اعتبار نویسندگان بوده. و همچنین قلت منابع و فقدان تنوع و فقدان منابع خارجی که ناشی از جستجوی سطحی و مختصر است. که خود ناشی از مشکل بزرگتری به نام فقدان انگیزه علمی و تنها به قصد استفاده از امتیاز مربوطه جهت ارتقا است.

واژه های کلیدی: منابع تحقیق، ارجاع و استناد، مقالات پژوهشی، روش تحقیق، زبان و ادبیات عربی.

۱. پست الکترونیکی نویسنده مسؤل: sadeghaskari2001@yahoo.com

مقدمه

یکی از مهمترین فعالیت‌هایی که پژوهش‌گران پس از انتخاب موضوع تحقیق انجام می‌دهند، جستجو در منابع و مراجع مختلف جهت جمع‌آوری معلومات لازم و اطلاعات ضروری اولیه پیرامون موضوع است. شکی نیست که هر اندازه این جستجو وسیع‌تر و دقیق‌تر باشد، ارزش و اعتبار تحقیق بیشتر خواهد بود.

بر همین اساس باید گفت که تعداد و تنوع و اعتبار منابع استنادی یکی از معیارهای ارزشیابی تحقیقات دانشگاهی است. در این نوشتار به نقد و بررسی منابع مورد استفاده در مقالات تخصصی رشته زبان و ادبیات عربی که در مجلات علمی پژوهشی کشور چاپ شده‌اند، می‌پردازیم و تعداد و تنوع و جایگاه منابع استنادی را ارزیابی می‌کنیم.

باید دانست در گذشته افزون بر منابع و کتاب‌های روش تحقیق که به‌طور پراکنده در بردارنده نظرات دانشمندان درباره نقش و جایگاه منابع استنادی در تحقیقات علمی بوده و در این پژوهش نیز به آنها استناد شده است، مقالات ارزشمندی نیز در زمینه بررسی مقالات علمی پژوهشی رشته عربی تألیف شده است، مانند مقاله تحلیلی گزارشگونه از مقالات چاپ شده مجله انجمن زبان عربی، تألیف آقایان دکتر میرزایی و دکتر پروینی و دکتر سلیمی که در مبحث کوتاهی (کمتر از یک صفحه) تحت عنوان «فقدان استناد به مقالات علمی» به عدم اشراف به منابع تحقیق اشاره کرده است. همچنین مقاله نقد و تحلیل مقالات علمی پژوهشی گروه زبان و ادبیات عربی ایران (از سال ۸۲-۸۶)، تألیف آقای دکتر طاهری نیا و خانم بخشی که با تفصیل بیشتری (حدود ۴ صفحه) به منابع استنادی مقالات اشاره شده است. با این حال، مقالات مذکور بیشتر به تحلیل کمی و شکلی و گزارش آماری مقالات از زوایای مختلف پرداختند. این مقاله تنها به نقد و بررسی کیفی منابع استنادی مقالات چاپ شده می‌پردازد.

برای این کار، مفهوم و ماهیت مراجعه به منابع و مراجع موجود و ضرورت استناد به پژوهش‌های گذشتگان را با استفاده از نکته نظرات صاحب‌نظران در منابع و مراجع روش تحقیق استخراج نموده‌ایم، سپس براساس معیارهای مذکور، تعداد ۸۶ مقاله علمی

پژوهشی منتشره در مجلات معتبر را که تا پایان سال ۸۶ چاپ شده‌اند، بررسی می‌کنیم. به این امید که نتایج این پژوهش بتواند راه‌کار مفیدی جهت رفع کمبودها ارائه کند. لازم به ذکر است که هدف از بیان ضعف‌ها و نواقص موجود، چیزی جز اجتناب از تکرار این نواقص و در نتیجه ارتقای سطح علمی مقالات نبوده و نخواهد بود. لذا برای حفظ شأن و منزلت والای اساتید و نویسندگان ارجمند که این حقیر، خود را شاگرد خیلی از آنها می‌دانم، و همچنین برای حفظ جایگاه مجلات علمی پژوهشی و سردبیران و اعضای محترم هیئت تحریریه که پیشرفت‌های کنونی در رشته زبان و ادبیات عربی حاصل زحمات طاقت فرسای آنان است، بهتر دیدیم که در ذکر شواهد و نمونه مقالات از ارجاع و درج نام نویسنده و مجله خودداری کنیم، و فقط در پایان مجلات بررسی شده را در فهرست منابع بیاوریم.

الف: ماهیت و ضرورت ارجاع و استناد به منابع

کمتر پژوهش‌گری می‌تواند ادعا کند که آنچه را که نوشته است تنها زاینده اندیشه خود اوست. چرا که نویسندگان غالباً معلومات مورد نیاز خود را از طریق مطالعه منابع که نتیجه تلاش‌های گذشتگان است، به دست می‌آورند. سپس آنها را به‌عنوان مواد خام مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده تا به نتایج جدیدی دست یابند. براین اساس شکی نیست که جستجوی منابع مورد نیاز، اولین قدم در راه تحقیق درست است. از آنجایی که «پژوهش نوعی حجت منطقی است، بنابراین هر قدر در آن به مآخذ و منابع گوناگون استناد شود حجت قوی‌تر و استقراء کامل‌تر خواهد بود» (زرین‌کوب، ۲۵۳۶: ۱۳).

دیده می‌شود که صاحب‌نظران روش تحقیق از قبیل کارل لستروکس (۱۹۶۷) و تئودر کاپ لو (۱۹۷۱)، مطالعه منابع مربوط به موضوع تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات و معلومات پیرامون آن موضوع را یکی از مراحل ضروری هر پژوهش می‌دانند. (دلاور، ۱۳۸۵: ۳۷ و ۳۸)

خلاصه این‌که برای دست‌یابی به یک پژوهش کامل و دقیق باید به مستندات علمی پیشین استناد شود. چون رجوع به سوابق علمی در هر موضوع، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر

است. «بر این اساس یک محقق باید بر وضعیت موجود و پیشینه مسأله وقوف یابد یعنی تحقیقات انجام شده مربوط به آن را شناسایی و ارزیابی کند، زیرا آغاز کردن تحقیق از صفر به معنای عقیم ماندن آن است» (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵: ۹۶)

بنابراین باید گفت مجموعه منابع علمی که محقق در تحقیق خود به آنها استناد می‌ورزد از مهمترین معیارهای سنجش کیفیت علمی تحقیق به شمار می‌آیند. پس اگر منابع از آن دسته منابع معتبر و صادق و یا از نسخه‌های خطی کمیاب باشد تحقیق از ارزش علمی بالایی برخوردار خواهد بود. (أبوسلیمان، ۱۳۸۷: ۴۸) بر همین اساس می‌توان نتیجه گرفت که مؤلف افزون بر جمع‌آوری و مطالعه منابع باید آنها را شناسایی و ارزیابی کند. (صابری، ۱۳۸۴: ۱۷؛ فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵: ۹۶؛ خورشیدی و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۳۵)

چرا که هر قدر که منابع متنوع چاپی و خطی و دیداری و شنیداری تحقیق بیشتر باشند، اطمینان و رضایت‌مندی بیشتری را به دنبال خواهد داشت.

ب: اهداف و کارکردهای منابع و مراجع

صاحب‌نظران پیرامون اهداف و کارکردهای مراجعه و مطالعه منابع و پژوهش‌های گذشته درباره یک موضوع، ایده‌ها و نظرات کاملاً مشترک دارند. با مراجعه به کتاب‌های روش تحقیق، مجموعه این نظرات را می‌توان در چند بند زیر خلاصه کرد:

۱. افزایش بینش و تجربه پژوهشگر: یعنی مراجعه به تحقیقات پیشین به پژوهش‌گر کمک می‌کند تا بینش عمیقی در زمینه موضوع خود کسب کرده و با درک نواقص و نکات ضعف گذشتگان، ترکیب و صورت‌بندی جدیدی از موضوع ارائه کند.
۲. یافتن روش‌های جدید: مطالعه منابع و مراجع باعث می‌شود که پژوهش‌گر از روش‌های متعدد پژوهش‌گران پیشین، مطلع گردد و بهترین روش را برای تحقیق خود انتخاب کند. افزون بر آن از روش‌های نادرست و بی‌نتیجه اجتناب کند.
۳. پرهیز از تکرار پژوهش‌های انجام شده: یکی از روشن‌ترین کارکردهای مطالعه منابع و مراجع در یک موضوع، اجتناب از تکرار تحقیقات گذشته است. این امر به پژوهش‌گر کمک می‌کند تا تشخیص دهد پیرامون موضوع وی، چه کارهایی تاکنون

انجام شده است و چه کارهایی باید انجام شود. (خورشیدی و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۳۵ و ۳۲۲؛ دلاور، ۱۳۸۵: ۹۱؛ خاکی، ۱۳۸۶: ۱۷۱؛ فرامرز قرا ملکی، ۱۳۸۵: ۹۶)

این نکته را نباید از نظر دور داشت که در کنار پرهیز از تکرار پژوهش‌های گذشته که از آثار و نتایج مطالعه منابع است، گاهی تحقیقات تکراری برای برطرف کردن نقص موجود در پژوهش‌های پیشین توجیه‌پذیر است. بر این اساس، برخی پژوهش‌گران معتقدند که «نوشتن موضوعی که قبلاً بررسی شده در صورتی بلامانع است که پژوهش جدید براساس پژوهش‌های پیشین شکل گرفته باشد، یا به جنبه‌ای از موضوع که مورد توجه محققان گذشته قرار نگرفته پردازد، و یا به نتیجه جدید دیگری غیر از نتایج گذشته ختم شده باشد» (أبوسلیمان، ۱۳۸۷: ۴۳)

می‌توان گفت گاهی اوقات در موضوعاتی که حتی کارهای زیادی انجام شده است، پژوهشگر ممکن است به برداشتی بی‌نظیر و خلاق دست یابد که ارزش نگاه دوباره به مسأله را داشته باشد. (خاکی، ۱۳۸۶: ۱۷۱)

ج: ارزش و جایگاه منابع و مراجع

شکی نیست که تمام منابعی که پژوهش‌گر برای کسب معلومات پیرامون موضوع خود به آنها مراجعه می‌کند دارای ارزش و اعتبار یکسانی نیستند. از نظر میزان ارتباط با موضوع یا از نظر جایگاه و اعتبار نویسنده با هم متفاوت هستند. صاحب‌نظران در این سخن اتفاق نظر دارند که نقطه شروع جستجوی منابع و جمع‌آوری معلومات در یک پژوهش، استفاده از منابع عمومی مانند دایرة المعارف‌هاست که مجموعه‌ای از تألیفات را در هر موضوعی معرفی می‌کنند. (شبللی، ۱۹۷۴: ۳۹؛ سنو، ۲۰۰۲؛ مشکین فام، ۱۳۸۶: ۲۲)

بر همین اساس شوقی ضیف ضمن تأکید بر این نکته، منابع را به منابع اولیه و اساسی و منابع ثانویه و جانبی تقسیم کرده و گروه اول را مصادر و گروه دوم را مراجع نامیده است. (ضیف، ۱۹۷۲: ۲۳۷)

منابع اساسی یا مصادر، قدیمترین کتاب‌هایی هستند که دربردارنده معلوماتی پیرامون یک موضوع است (الخفاجی، بی‌تا: ۷۵) و یا به قلم نویسندگان مورد اعتمادی نگاشته شده باشند (أبوسلیمان، ۱۳۸۷: ۴۸) یا این‌که به‌دست شاهد واقعی یک حادثه ارائه و تألیف شده

باشد. (دلاور، ۱۳۸۵: ۱۴۹)

منابع ثانوی یا مراجع، منابعی هستند که در معلومات علمی خود به منابع اساسی و مصادر مراجعه و معلومات مورد نیاز اولیه را از آن نقل می‌کنند و سپس با تجزیه و تحلیل و نقد علمی دقیق نتایج جدیدی به دست می‌آورند. (Hubbell, 1969: 61) به عبارت دیگر منابع ثانویه یا مراجع، منابعی هستند که با فاصله زمانی نسبتاً طولانی از روزگار ادیب و یا اثر ادبی مورد نظر، تألیف شده‌اند و معلومات را با واسطه در قالب و ترکیب جدید نقل می‌کنند. (مشکین فام، ۱۳۸۶: ۲۴؛ دلاور، ۱۳۸۵: ۱۴۹؛ سنو، ۲۰۰۱)

باید دانست که تمامی پژوهش‌گران در تقدّم و اولویت مصادر بر مراجع اتفاق نظر دارند. شوقی ضیف معتقد است که وجود مصدر در مورد یک موضوع ارزش معلومات موجود در مراجع را کاهش می‌دهد و حتی اعتبار آن را از بین می‌برد. (ضیف، ۱۹۷۲: ۲۴۶) برخی پا را فراتر گذاشته و پژوهش‌گران را از مراجعه به منابع ثانوی یا مراجع برحذر می‌دارند و معتقدند: «منابع دست دوم بطور ذاتی با خطر بی‌دقتی همراه هستند، زیرا هنگام انتقال اطلاعات از شخصی به شخص دیگر ممکن است حقایقی از دست رفته یا تغییر یابد، منابع دست دوم گاهی آنقدر بی‌دقت جمع می‌شوند که در جرگه شایعات محسوب می‌شوند، به همین دلیل پژوهش‌گران تلاش دارند تا حد امکان از منابع دست اوّل و اساسی یا همان مصادر استفاده کنند.» (دلاور، ۱۳۸۵: ۱۵۰)

در مقابل، برخی از صاحب‌نظران، پژوهش‌گران را در کنار منابع اساسی به مراجعه به منابع ثانویه و مراجع نیز ترغیب می‌کنند و بر تکیه صرف بر مصادر قدیمی خرده می‌گیرند. (طاهری نیا و بخشی، ۱۳۸۸: ۱۸) اینان معتقدند منابع جدید، تحلیل و نقد جدیدی را به پژوهش‌گر منتقل می‌کنند. (سنو، ۲۰۰۱) ما ضمن اعتراف به اهمیت برجسته مصادر و تأکید بر ضرورت مراجعه به آنها، معتقدیم که منابع اساسی و مصادر نباید ما را از مراجعه به مراجع جدید بی‌نیاز کند. منابع اساسی و مصادر که غالباً قدیمی بوده فقط به ذکر حوادث و وقایع و یا آراء دانشمندان قدیم اکتفا کرده و کمتر به نقد و تحلیل نظرات پرداخته است. پس مراجعه به منابع جدید ما را از نقد و تحلیل ارزشمند

دانشمندان متأخر و معاصر بهره‌مند می‌کند. شاید همین امر باعث شده است که برخی از اساتید از عدم اهتمام به تحقیقات و پژوهش‌های منتشر شده در مجلات علمی اظهار نگرانی کنند و از آن به‌عنوان اشتباهات و خطاهای معمولی در مراجعه به منابع تحقیق یاد کنند و نسبت به آن هشدار دهند. (خورشیدی و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۶۰؛ طاهری نیا و بخشی، ۱۳۸۸: ۱۸) دکتر فرامرز میرزایی پا را از این فراتر نهاده و می‌گوید: «بهتر است یکی از شاخص‌های مجلات در ارزیابی یک مقاله مقدار استناد وی به مقالات علمی پژوهشی ایران و جهان باشد، تا مقاله‌نویسان از این مهم غفلت نکنند». (میرزایی و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۹)

خلاصه کلام این که پژوهش‌گران هرگز نمی‌توانند در تحقیقات، از هر دو نوع منابع یعنی مصادر و مراجع بی‌نیاز شوند. با این حال همان‌طور که قبلاً اشاره شد باید توجه داشت که ارزش و جایگاه مصدر یا مرجع در تحقیقات مختلف، متفاوت است و بر اساس جایگاه علمی نویسنده و میزان ارتباط منبع به موضوع تحقیق، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. یعنی هر چقدر که میزان ارتباط مصدر یا مرجع به موضوع تحقیق بیشتر باشد ارزش و جایگاه آن بیشتر و بالاتر خواهد بود. از دیگر معیارها برای ارزیابی منابع یک تحقیق می‌توان به مراجعه و استناد به مصادر و مراجع منتشر شده به زبان‌های دیگر به‌ویژه انگلیسی و فرانسه نام برد. برخی پژوهش‌گران از آن به‌عنوان یکی از مزایای تحقیق نام برده و از بی‌اعتنایی به این نوع منابع برحذر داشته‌اند. (طاهری نیا و بخشی، ۱۳۸۸: ۱۸)

در پایان این مبحث و قبل از ارزیابی مصادر و مراجع مقالات چاپ شده زبان و ادبیات عربی در مجلات علمی پژوهش کشور، محورها و معیارهای این ارزیابی را با استفاده از مطالبی که تاکنون گفته شد خلاصه می‌کنیم و براساس این معیارها به ارزیابی منابع استنادی این مقالات می‌پردازیم:

الف- تعداد منابع

ب- تنوع منابع

ج- استفاده از منابع به زبان‌های خارجی

د- اعتبار و جایگاه منابع و میزان ارتباط آنها به موضوع

تعداد منابع

تعداد منابع مورد استفاده در هر تحقیق و تنوع آنها از قبیل منابع تاریخی و لغوی و ادبی و نقدی، اولین و ساده‌ترین معیاری است که می‌توان مقالات را مطابق آن ارزیابی کرد. هر چند باید اعتراف کرد که در ارزیابی منابع و مراجع یک تحقیق، جایگاه و ارزش علمی منابع و میزان ارتباط و وابستگی آنها به موضوع تحقیق، اهمیت بیشتری از تعداد منابع دارد. لذا باید ارزش علمی منبع و جایگاه نویسنده، اولین معیار سنجش منابع استنادی مقاله قرار گیرد. ولی از آنجایی که تعداد منابع و تنوع آنها، اولین چیزی است که در بررسی منابع به چشم می‌خورد و با اعداد و ارقام به سادگی قابل تشخیص است و به نوعی بیانگر وسعت مطالعه و میزان مراجعه به کتب متعدد در زمینه موضوع است، ما در اولین قدم مقالات را بر اساس تعداد منابع استنادی ارزیابی می‌کنیم.

بررسی منابع مقالات علمی پژوهشی زبان و ادبیات عربی که در مجلات معتبر کشور به چاپ رسیده است نشان می‌دهد که تعداد منابع مقالات بین ۸ تا ۷۳ منبع در نوسان بوده است. بدین ترتیب که مقاله «إطلالة علی حياة نظام الدین النیشابوری» با ۸ منبع، و مقاله «خاستگاه و معانی واژه اعجم» با ۷۳ منبع، کمترین و بیشترین منابع را دارند. هر چند تعداد کم یا زیاد منابع به تنهایی نمی‌تواند معیار علمی خوبی برای ارزیابی و سنجش منابع یک تحقیق باشد، ولی همان‌طور که در ابتدای این مبحث اشاره شد از آنجایی که تعداد منابع بیانگر وسعت جست و جو و میزان مراجعه و مطالعه منابع متعدد است، می‌تواند تا حدودی بیانگر اهتمام و جدیت نویسنده باشد. البته بیشتر منابع استنادی در هر دو مقاله یاد شده، غیر تخصصی و کم ارتباط به موضوع مقاله بوده‌اند. در مبحث بعد به تفصیل به آن خواهیم پرداخت. مطلبی که در اینجا می‌توان گفت این است که اگر تعداد بسیار اندک منابع، در کنار عدم ارتباط آنها با موضوع، به‌طور همزمان در یک مقاله جمع شوند، بیانگر نقص بزرگ و نابخشودنی یک پژوهش است. نکته دیگری که در این زمینه باید به آن اشاره شود میانگین تعداد منابع در مقالات زبان

و ادبیات عربی است. یک آمارگیری ساده نشان می‌دهد که در تمامی ۸۶ مقاله چاپ شده، مجموعاً ۲۰۳۲ منبع مورد استناد قرار گرفته است که میانگین سهم هر مقاله ۲۳/۶ منبع است. این تعداد تا حدود زیادی در ارزیابی مقالات پذیرفتنی است.

نکته قابل توجه در این مورد این است که تعداد ۴۱ مقاله، دارای منابعی کمتر از میانگین استخراج شده هستند. یعنی حدود نیمی از مقالات رشته زبان و ادبیات عربی دارای منابعی کمتر از میانگین و یا حد نصاب استخراج شده هستند. این مسأله بیانگر عدم جدیت و اهتمام نویسندگان و عدم جستجوی گسترده از طریق مطالعه حداکثر منابع و مراجع است که در جای خود، کمبود بزرگی محسوب می‌شود. شاید بتوان از عمده دلایل این ضعف به دو مسأله اشاره کرد. یکی شتاب نویسندگان برای تألیف مقالات که خود معلول مشکل دیگری است که از آیین‌نامه ارتقاء نشأت گرفته، که ورود به آن در این مقال نمی‌گنجد. دوم انگیزه تحقیق است که نه برای کشف حقیقت و گسترش علم و بیان زوایای مجهول در این رشته، بلکه تنها به قصد استفاده امتیاز چاپ یک مقاله است. این هم متأسفانه ناشی از آیین‌نامه ارتقاء است. که در جای خود قابل بحث و بررسی است.

در اینجا برای بیان فاصله میان مقالاتی که بیشترین و کمترین منابع را داشته‌اند، برای نمونه تعداد ۱۰ مقاله که بیشترین تعداد منابع و مراجع را داشته‌اند و همچنین ۱۰ مقاله که کمترین تعداد منابع را داشته‌اند با ذکر تعداد منابع ارائه می‌دهیم.

مقالاتی که بیشترین تعداد منابع را داشته‌اند:

۱. خاستگاه و معانی واژه أعجم (۷۳ منبع)
۲. أسطورة تموز عند رواد الشعر الحديث في سوريا والعراق (۴۹ منبع)
۳. الصور الخيالية في الألقاب الشبيهة بالكنایة (۴۷ منبع)
۴. تطوّر علم الأصوات في ضوء الدراسات القرآنية (۴۵ منبع)
۵. منشأ، ریشه‌ها و واضعین خط عربی (۴۴ منبع)
۶. توفیق حکیم، زندگی و آثار (۴۴ منبع)

۷. سیر تحول اغراق در نقد کهن عربی (۴۳ منبع)
 ۸. جایگاه زن در شعر جاهلی عرب (۴۳ منبع)
 ۹. روش گفتمان کاوی شعر (۳۸ منبع)
 ۱۰. اختلاف ترجمه‌های قرآن براساس دستور زبان عربی (۳۶ منبع)
- مقالاتی که کمترین تعداد منابع را داشته‌اند:

۱. إطلالة على حياة نظام الدين النيشابوری (۸ منبع)
۲. ریشه یابی مشکلات آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران (۹ منبع)
۳. الدوائر العروضية الخليلية من وجهة وظيفية (۹ منبع)
۴. بررسی علل کم علائقی دانش‌آموزان دبیرستان به درس عربی از دیدگاه دبیران شیراز (۹ منبع)
۵. مقارنة بين المسرحيتين مجنون لیلی ورومیو وجولیت (۱۰ منبع)
۶. ظواهر عروضية لطيفة (المراقبة والمعاقبة والمكافئة) (۱۰ منبع)
۷. پیرنگ در مقالات حریری وحمیدی (۱۱ منبع)
۸. قیام امام حسین و شعر نو ادبیات معاصر عرب (۱۱ منبع)
۹. تشاؤم در شعر أبو العلاء معری (۱۲ منبع)
۱۰. تأثير القرآن الكريم في شعر العصر الإسلامي (۱۲ منبع)

با نگاهی گذرا به این مقالات که در دو دسته بالاترین و پایین‌ترین از نظر تعداد منابع جمع‌آوری شده‌اند و صرف نظر از تمامی ملاحظات و استثناهایی که در زمینه جدی نبودن تعدد منابع در ارزیابی علمی مقالات وجود دارد، شکی نیست که میزان جستجوی منابع و وسعت مراجعه و مطالعه نویسندگان مقالات مجموعه اول بسیار بیشتر از نویسندگان مقالات مجموعه دوم است.

در اینجا باید یادآوری شود که با وجود پافشاری بسیاری از صاحب‌نظران بر استفاده هر چه بیشتر از منابع و افزایش تعداد کتب استفاده شده در هر پژوهش که از امتیازات و مزایای یک تحقیق به شمار می‌رود، نباید از نظر دور داشت که استفاده بی‌رویه و

بی‌دلیل از منابع تنها برای افزایش منابع استنادی یک تحقیق شایسته نیست و ارزش علمی تحقیق را خواهد کاست. استاد فرزانه عبدالحسین زرین کوب در مقاله‌ای تحت عنوان تحقیق درست در این باره می‌گوید: «هر چند ذکر منابع و اسناد بر محقق واجب است، افراط و مبالغه در این کار نیز پسندیده نیست... و آن محقق که در ذکر مأخذ گوناگون افراط می‌کند و برای هر قول متداول و مشهور نیز به ذکر مأخذ و نقل اسناد می‌پردازد، مانند کسی است که در هر سخن بیهوده سوگند می‌خورد و به ناچار شنونده را به شک و انکار وامی‌دارد. پیداست که این توضیح واضح را، خوانندگان جز بر فضل فروشی و خودنمایی محقق حمل نخواهند کرد.» (زرین کوب، ۲۵۳۶: ۱۵)

بدین ترتیب می‌توان گفت که مطالعه وسیع و مراجعه به منابع فراوان در صورتی پسندیده است که به قصد اشراف همه جانبه بر موضوع تحقیق و شناسایی زوایای محورهای آن موضوع باشد و اقتباس از آن غالباً برای اثبات یک نظر و یا ایده‌ای که مورد شک و تردید است به کار رود و به استنباط نکته نظر جدید منجر می‌شود. نه به قصد افزایش تعداد منابع و مصادر یک پژوهش که از طریق ارجاع‌های مکرر برای مطالب و معلومات غیر ضروری که ارتباط مستقیم به موضوع نداشته باشد.

ب- تنوع منابع

در خصوص تنوع منابع می‌توان گفت با توجه به موضوع مقاله و مباحث فرعی آن که بیانگر زوایا و افکار اساسی موضوع است نویسندگان باید از منابع تخصصی و معتبر درجه اول در هر جنبه از جنبه‌ها و زوایای موضوع استفاده کنند. شاید بهترین راه برای بیان این مطلب شواهدی از مقالات چاپ شده باشد.

برای نمونه مقاله «الجرّ علی الجوار بین الرّفص والقبول» افزون بر دارا بودن ۳۴ منبع که تا اندازه‌ای بیانگر تعداد زیاد منابع است، تنوع منابع نیز دارد. نویسنده برای موضوع خود که یک موضوع نحوی و گرامری است در کنار استفاده از مشهورترین منابع صرف و نحو، از کتب تفاسیر و شروح معلقات نیز استفاده کرده است، که بیانگر تنوع منابع تحقیق است. هر چند این تنوع به دلیل فقدان منابع نحوی جدید کامل نگردیده است. جای منابع صرف و نحو جدید که آراء و نظرات جدید را هم دربرداشته باشد، خالی

است.

نمونه دوم در این زمینه، مقاله «تطور علم الأصوات في ضوء الدراسات القرآنية» است که افزون بر شمار زیاد منابع (۴۵ منبع)، بر اساس ماهیت موضوع که در دو جنبه زبان شناسی و تحقیقات قرآنی است. منابع مشهور و معتبری در زمینه‌های زبان‌شناسی قدیم و جدید و تحقیقات قرآنی قدیم و جدید دارد.

سومین نمونه از مقالات دارای منابع متنوع، مقاله «رمزية سياب واستدعاء الشخصيات القرآنية» است که با این که منابع خیلی زیادی ندارد (۱۸ منبع)، با توجه به ماهیت موضوع از منابع تخصصی پیرامون رمز و رمزگرایی در ادبیات و منابع مربوط به بررسی شخصیت و ادبیات بدر شاکر السیاب و همچنین منابع مربوط به تحقیقات قرآنی بهره برده است. پس می‌توان گفت این مقاله با این که دارای منابع زیادی نیست، منابع متنوع و مرتبط و معتبری دارد.

در مقابل سه مقاله فوق که تا حدودی دارای منابع استنادی مرتبط و معتبر و متنوع هستند، مقالاتی وجود دارند که با وجود تعداد زیاد منابع در پایان مقاله، دارای تنوع منابع نیستند. برای نمونه مقاله «الصور الخيالية في الألقاب الشبيهة بالكنایة» که با اینکه دارای ۴۷ منبع است (۲۲ منبع عربی، ۲۴ منبع فارسی، ۱ منبع انگلیسی)، به علت تکیه فراوان بر منابع قدیمی و لغت‌نامه‌ها از کمبود منابع مربوط به نقد و بلاغت جدید رنج می‌برد. همچنین است مقاله «معايير المدح، دراسة و نقد في ضوء الأدب الإسلامي الملتزم» که با دارا بودن ۳۰ منبع به علت تکیه فراوان بر منابع دینی و مذهبی و شیعی از کمبود منابع نقد قدیم و جدید رنج می‌برد. شاید به همین دلیل است که نویسنده در تحلیل و استنتاج خود دچار نوعی تعصب مذهبی شده که در جای دیگر تحت عنوان کیفیت تجزیه و تحلیل قابل بررسی است. شاید ضعیف‌ترین مقاله در این باره، مقاله «تساؤم در شعر أبو العلاء معری» باشد که به علت اندک بودن منابع، همه منابع مقاله را می‌آوریم با این تفاوت که به ذکر نویسنده و عنوان کتاب بسنده می‌کنیم، و به جای داده‌های جزئی کتاب‌شناسی که در اینجا مد نظر نیست سه نقطه [...] می‌گذاریم.

۱. قرآن کریم
۲. ابن الأنباری، عبدالرحمن، نزهة الألباء،....
۳. المعری، أبو العلاء، أحمد بن عبدالله بن سلیمان، اللزومیات،....
۴. البستانی، فؤاد أفرام، المجانی الحدیثة،....
۵. بلاشر، رژی، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه آذرتاش آذرنوش،....
۶. بندرریگی، محمد، ترجمه المنجد (عربی به فارسی)،....
۷. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران،....
۸. سیاسی، علی اکبر، روانشناسی شخصیت،....
۹. الفاخوری، حنا، الجامع فی تاریخ الأدب العربی،....
۱۰. فروخ، عمر، تاریخ الأدب العربی،....
۱۱. فورکاس، جوزف، روانشناسی تعامل اجتماعی، ترجمه خشیار بیگی ومهرداد فیروز بخت،....
۱۲. مالتز، ماکسول، روانشناسی تصویر ذهنی، ترجمه مهدی قراچه،....
۱۳. الهاشمی، أحمد، جواهر البلاغة فی المعانی والبیان والبدیع،....

با بررسی دقیق ارجاعات این مقاله متوجه شدیم که همه ارجاعات و اقتباسات در متن مقاله ۴۲ بار است که ۳۳ اقتباس مربوط به شواهد شعری از کتاب «لزومیات» معری است. ۹ ارجاع باقی مانده مربوط به دیگر منابع مذکور است. بدین ترتیب که به کتاب «روانشناسی تصویر ذهن» (منبع شماره ۱۱) ۴ ارجاع و به قرآن کریم ۲ ارجاع و به کتابهای ترجمه «المنجد» بندرریگی و «دایرة المعارف بزرگ اسلامی» و «جواهر البلاغة» هر کدام ۱ ارجاع داده شده است. بدین ترتیب ملاحظه می شود که از این منابع ذکر شده در لیست منابع این مقاله، تنها به ۶ منبع در متن مقاله ارجاع داده شده است و از ۷ منبع دیگر یعنی منابع مذکور در ردیفهای ۱، ۳، ۴، ۷، ۸، ۹، ۱۰ هیچ گونه اقتباسی صورت نگرفته است، بنابراین نمی بایست به عنوان منابع مقاله ذکر می شدند. مگر این که

گفته شود از منابع دیگر استفاده شده ولی ارجاع داده نشده که این هم به علت عدم پابندی به عدالت و صداقت در نقل قول نقص بزرگی است. با ملاحظه منابع مذکور درمی‌یابیم با وجود فراوانی منابع و مراجع پیرامون ابو العلاء معری و آثار وی، متأسفانه در منابع مقاله، هیچ کتاب تخصصی که به بررسی شخصیت و آثار و ادبیات معری پرداخته باشد یافت نمی‌شود. تنها به تعدادی از کتب تاریخ ادبیات عربی مراجعه شده و زندگی‌نامه و برخی ویژگی‌های شخصیتی معری از آن گرفته شده و ارجاعی هم داده نشده است. پس این مقاله افزون بر تعداد اندک منابع و کاستی‌های فراوان در اقتباس و ارجاع از نداشتن تنوع نیز رنج می‌برد.

ج- استفاده از منابع به زبان های خارجی

همان‌طور که اشاره شد یکی از معیارهای ارزیابی کیفیت و سطح علمی مقالات، مراجعه نویسنده به مصادر و مراجع به زبان‌های مختلف مانند فارسی و عربی و انگلیسی و فرانسه و آلمانی است. این امر افزون بر این که بیانگر دامنه گسترده‌تر جستجوی منابع و مصادر بوده، نشان‌دهنده امکان استفاده نویسنده مقاله از نکته نظرات و تحلیل‌های نقادانه پژوهش‌گران مختلف پیرامون موضوع مورد بحث است که بی‌گمان بر سرشاری علمی مقاله خواهد افزود. البته می‌توان گفت که این مورد در حقیقت جزئی از مبحث قبل یعنی تنوع منابع است، ولی نظر به اهمیت و ضرورت توجه به آن، در اینجا جداگانه بررسی می‌شود.

بررسی منابع خارجی مقالات منتشره نشان می‌دهد که تنها ۱۱ مقاله از ۸۶ مقاله از منابع خارجی (انگلیسی و فرانسه) بهره برده‌اند. یعنی معادل ۱۲/۷۹ درصد مقالات چاپ شده. همین آمار نشان می‌دهد که سهم هر مقاله از مقالات مورد بحث در خصوص استفاده از منابع خارجی، تنها ۰/۶٪ یعنی کمتر از یک کتاب در هر مقاله است. که این آمار بسیار اندک و نگران کننده است.

- مقالاتی که بیشترین تعداد منبع انگلیسی را داشته اند عبارتند از:

۱. تأثیر راهبردهای یادگیری زبان دوم بر فرایند یادگیری زبان عربی (۱۸ منبع

انگلیسی از مجموع ۱۹ منبع).

۲. تاثیر جنگ شش روزه بر شعر معاصر فلسطین (۸ منبع انگلیسی از بین ۲۹ منبع).

۳. أسطورة تمّوز عند روّاد الشعر الحديث فی سوريا والعراق (۶ منبع انگلیسی از

مجموع ۴۹ منبع).

۴. توفیق حکیم زندگی و آثار (۵ منبع انگلیسی و فرانسه از مجموع ۴۴ منبع).

- مقالاتی که کمترین تعداد منابع انگلیسی را داشته‌اند عبارتند از:

۱. الصور الخيالية في الألقاب الشبيهة بالكنایة (۱ منبع انگلیسی از مجموع ۴۷ منبع).

۲. تحلیل ساختاری و محتوایی اشعار منشور امین الريحانی (۱ منبع انگلیسی از بین

۲۰ منبع).

۳. بازتاب قرآن کریم در ضرب‌المثل‌های فارسی (۱ منبع انگلیسی از بین ۲۰ منبع).

نکته قابل توجه در این زمینه، مقاله «تاثیر راهبردهای یادگیری زبان دوم بر فرایند

یادگیری زبان عربی» است که از مجموع ۱۹ منبع، ۱۸ منبع آن انگلیسی است. یعنی تنها

از یک منبع فارسی استفاده کرده است که این موضوع هر چند می‌تواند بیانگر برجستگی

مقاله در این زمینه باشد، به نظر می‌رسد نویسنده محترم در مراجعه به منابع فارسی

کوتاهی کرده است. شایسته است نویسندگان به خاطر داشته باشند که تأکید بر استفاده

از منابع خارجی، هرگز به معنای بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به منابع مکتوب به زبان خودی

نیست. ضروری است نویسندگان در این زمینه از افراط و تفریط خودداری کنند.

در پایان این بخش و پیش از ورود به مبحث بعدی که بررسی میزان ارتباط و

وابستگی منابع به موضوع پژوهش است، یادآوری یک نکته درباره تعداد منابع یک

تحقیق ضروری به نظر می‌رسد ماهیت و زمینه تحقیق در افزایش یا کاهش منابع تاثیر

دارد. برای نمونه برای موضوعات قدیمی و تاریخی، جای بیشتری برای افزایش منابع

وجود دارد تا موضوعات جدید و فنی. یا موضوعات کتابخانه‌ای روی هم رفته، منابع

بیشتری از موضوعات میدانی و تجربی دارند. این موضوع هر چند می‌تواند تا حدودی

بعضی از کاستی‌های کاهش تعداد منابع را بپوشاند، هرگز نمی‌توان نقش تلاش و

کوشش نویسنده برای جستجوی منابع و توجه و اهتمام وی به مطالعه گسترده را نادیده گرفت.

د- اهمیت و اعتبار منابع و میزان ارتباط آنها با موضوع مقاله

همان‌طور که گفته شد، بررسی اهمیت منابع و جایگاه نویسنده و میزان وابستگی آنها به موضوع پژوهش، برترین معیار و علمی‌ترین شاخص برای داوری درباره ارزش منابع به کار رفته در یک تحقیق است. با این حال باید گفت شناسایی اعتبار منابع و جایگاه علمی نویسنده آن و اظهار نظر درباره میزان ارتباط منابع با موضوع مقاله، کار آسانی نخواهد بود. لازمه چنین کاری، مطالعه دقیق منابع و شناسایی جایگاه نویسنده آنها است که ممکن است براساس ذوق و سلیقه هر خواننده‌ای متفاوت باشد. اگر به یاد آوریم که تعداد منابع به کار رفته در همه ۸۶ مقاله مورد بحث ما به ۲۰۳۲ منبع می‌رسد تصدیق خواهیم کرد که نمی‌توان درباره ارزش منابع و میزان ارتباط آنها با موضوع مقالات و همچنین جایگاه و اعتبار نویسنده منابع به‌طور قطع و یقین اظهار نظر کرد.

در این مبحث تلاش کردیم با دقت و احتیاط، منابع به کار رفته در مقالات را ارزیابی کنیم. نتیجه این ارزیابی در اعداد و ارقام زیر نمایش داده می‌شود.

- مقالات دارای منابع کاملاً تخصصی و بسیار مرتبط به موضوع ۷ مقاله معادل ۸/۱۳٪

- مقالات دارای منابع تخصصی و مرتبط به موضوع ۲۵ مقاله معادل ۲۹/۰۶٪

- مقالات دارای منابع تاحدودی تخصصی و تقریباً مرتبط ۲۷ مقاله معادل ۳۹/۳۱٪

- مقالات دارای منابع غیر تخصصی و غیر مرتبط ۲۷ مقاله معادل ۳۹/۳۱٪

این آمار و ارقام نشان می‌دهد که بیش از ۳۱٪ مقالات دارای منابع غیر تخصصی و غیر مرتبط به موضوع هستند و تنها ۸٪ مقالات، منابع کاملاً تخصصی دارند. این آمار نگران‌کننده، بیانگر آن است که برخی نویسندگان مقالات، چندان به ارزش جایگاه مصادر و مراجع و میزان ارتباط آنها با موضوع خود توجه نکرده و تنها به دنبال افزایش تعداد منابع در مقاله خود هستند. بنابراین بر نویسندگان محترم و داوران و سردبیران ارجمند مجلات علمی پژوهشی واجب است که این مهم را مد نظر قرار داده و برای

رفع آن چاره‌ای بیندیشند. در اینجا برای فهم بهتر تفاوت بین مقالاتی که دارای منابع کاملاً تخصصی و مرتبط بوده و مقالاتی که دارای منابع غیر تخصصی و بی‌ربط به موضوع خود بوده‌اند نمونه‌هایی از دو گروه مقالات فوق‌الذکر بیان می‌گردد:

– مقالات دارای منابع کاملاً تخصصی و بسیار مرتبط به موضوع

۱. أقيسة عقلية من الدرس النحوي الأصولي، با ۳۵ منبع که بیشتر آنها تخصصی و مهم هستند.

۲. تأثير القرآن الكريم في الشعر العصر الإسلامي، با ۱۲ منبع که همه تخصصی و مرتبط هستند.

۳. نگاهی به تاریخ نقد عربی قدیم و دگرگونی‌های آن، با ۱۹ منبع که بیشتر آنها تخصصی و مرتبط هستند.

۴. نظرة عابرة إلى استعمال حتى في اللغة العربية، با ۱۸ منبع که تا اندازه زیادی تخصصی و مرتبط هستند.

۵. احسان عباس وشخصيته النقدية المتميزة، با ۱۷ منبع تخصصی و مرتبط.

۶. ظواهر عروضية لطيفة (المراقبة و المعاقبة و المكافئة)، با ۱۰ منبع که تا اندازه زیادی تخصصی هستند.

۷. منصور النمرى الشاعر الشيعى، با ۱۸ منبع که تا اندازه زیادی تخصصی و مرتبط هستند.

– مقالاتی دارای منابع غیر تخصصی و بی‌ربط به موضوع

۱. خاستگاه و معانی واژه أعجم، با ۷۳ منبع که تنها ۲ منبع آن تخصصی و یازده منبع تا اندازه‌ای مرتبط است.^۱

۲. معايير المدح، دراسة و نقد فى ضوء الأدب الإسلامى الملتزم، با ۳۰ منبع که بیشتر تخصصی و مرتبط نیستند.

۳. حکم متنبى الغرب إبداع أم اتباع، با ۱۶ منبع که تنها سه منبع تا اندازه‌ای مرتبط به

موضوع است.

۴. اهمیت و نقش زبان عربی در ایران‌شناسی، با ۲۴ منبع که بیشتر منابع غیر تخصصی

و غیر مرتبط است.

۵. بررسی مقامات ابوالقاسم حریری، با ۱۹ منبع که بیشتر غیر تخصصی و غیر مرتبط

است.^۲

۶. أنماط من الترجمة بين اللغتين العربیة والفارسیة، با ۱۴ منبع که بیشتر غیر تخصصی و

بی‌ربط است.

نکته درخور توجه در این باره این است که با تغییر معیارها از شکلی به ماهیتی و علمی، نتیجه ارزیابی هم تغییر می‌کند. برای نمونه مقاله «خاستگاه و معانی واژه أعجم» که در مرحله قبل به سبب تعداد زیاد منابع، یعنی ۷۳ منبع در جرگه بالاترین مقالات از نظر تعداد منابع ذکر شده بود، در این مرحله به دلیل تخصصی و مرتبط نبودن منابع، جزء مقالات ضعیف به‌شمار آمد. بر عکس مقاله «تأثیر القرآن الکریم فی شعر العصر الإسلامی» که در مراحل قبل به دلیل تعداد اندک منابع یعنی ۱۲ منبع، از پایین‌ترین مقالات از نظر تعداد منابع بود، به دلیل کاملاً تخصصی بودن و بسیار مرتبط بودن منابع با موضوع مقاله در این مرحله در جرگه بهترین مقالات قرار گرفت. این بیانگر آن است که برخی از نویسندگان تنها به دنبال افزایش غیر ضروری تعداد منابع در مقالات خود بوده‌اند. با بررسی جایگاه منابع و میزان ارتباط آنها به موضوع تحقیق، این امر روشن می‌شود.

در پایان این مبحث باید یادآوری کرد که گاهی وجود منابع تخصصی مرتبط و مشابه در یک موضوع می‌تواند بیانگر بررسی موضوع در گذشته و تکراری بودن موضوع هم باشد که در چنین مواقعی نویسنده مقاله باید با دقت و هوشیاری بالا، مواردی را که در پژوهش‌های قبل ناقص و ناتمام و یا مجهول مانده است انتخاب و بررسی کند. در مقالات بررسی شده از این امر مهم غفلت شده است. نکته دیگر در این مورد این است که با وجود منابع کاملاً تخصصی و بسیار مرتبط و یا مشابه موضوع، انتظار می‌رود

اقتباسات و ارجاعات به آن منابع تخصصی و مرتبط و مشابه، به علت تشابه مباحث و موضوعات مورد بررسی، بیشتر از منابع دیگر باشد که متأسفانه چنین چیزی در مقالات مورد نظر دیده نشد. برای نمونه مقاله «بازتاب قرآن کریم در ضرب‌المثل‌های فارسی» دارای سه الی چهار منبع تخصصی و کاملاً مرتبط و مشابه است که از هیچ یک از این منابع هیچ‌گونه اقتباسی در متن مقاله وجود ندارد. شگفت‌تر این که این منابع کاملاً مشابه به‌عنوان منابع مورد استفاده مقاله در لیست منابع ذکر شده‌اند. همچنین است مقاله «گفتمان عرفان در آثار جبران خلیل جبران» که با وجود تشابه کامل موضوع مقاله با موضوع کتاب «عرفان در اندیشه جبران خلیل جبران» نوشته خانم سوسن فروتن شیرازی، تنها دو بار از کتاب، اقتباس غیر مرتبط به موضوع عرفان داشته است.^۳

خاتمه

سرانجام پس از بیان ماهیت و ضرورت ارجاع و استناد به منابع و ذکر اهداف و کارکردهای مراجعه به منابع، آنچه که به عنوان نتایج این پژوهش می‌توان بیان کرد، این است که ضوابط و استانداردهای علمی مربوط به منابع استنادی که خود شاخه‌ای از روش تحقیق است، نیاز به دقت و مهارت فراوانی دارد. صرف نظر از وجود تعدادی مقالات علمی-پژوهشی پذیرفتنی در این زمینه، همان‌طور که به تفصیل بیان شد، معیارهای لازم در بسیاری از مقالات علمی پژوهشی زبان و ادبیات عربی کشور رعایت نشده است. باید گفت بسیاری از این مقالات دارای کاستی‌ها و نواقص فراوانی است که عبارتند از: منابع کم ارزش و غیر مرتبط که ناشی از عدم توجه به جایگاه منابع و اعتبار نویسندگان بوده و کمبود منابع و نبود تنوع و کاستی منابع خارجی که ناشی از جستجوی سطحی و گذراست. با این حال مقالاتی که دارای استانداردهای لازم بوده‌اند، الگویی مناسب برای پژوهش‌گران می‌توانند باشند.

در پایان باید گفت در کنار اهمیت و جایگاه منابع استنادی مقالات که در این پژوهش به آن پرداخته شد، چگونگی تدوین منابع و تنظیم اطلاعات کتاب‌شناسی در پایان مقاله نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است که به دلیل وجود سلیقه‌های متعدد

و در نتیجه نبود یک شیوه هماهنگ در میان پژوهش‌گران بررسی آن مجالی دیگر می‌طلبد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. عجیب اینکه نویسنده محترم پس از ذکر ۷۳ منبع که بیشتر آنها غیر مرتبط و غیر تخصصی بوده‌اند در پایان لیست منابع خود نوشته است «و پاره‌ای منابع دیگر».

۲. شگفت‌آور اینکه تعداد ۱۴ منبع از ۱۹ منبع مورد استفاده در مقاله از نرم افزار «الموسوعة الشعرية» بوده است، در حالی که نسخه‌های چاپ شده آنها در کتابخانه‌ها به سادگی یافت می‌شد. و این بیانگر آن است که نویسنده محترم نه تنها به دنبال منابع تخصصی و مرتبط با موضوع مقاله خود نگشته، بلکه برای اینکه به خود زحمت مراجعه به کتابخانه را ندهد، در اکثر منابع خود به سی‌دی ارجاع داده است که این امر از نظر صاحب‌نظران روش تحقیق به دلیل وجود نسخه‌های چاپی چندان علمی و قابل اطمینان نخواهد بود.

۳. لازم به ذکر است که در مقاله فوق تعداد ۲۴ منبع به‌عنوان منابع مورد استفاده در لیست منابع ذکر شده است که با بررسی دقیق اقتباسات و ارجاعات معلوم شد که نویسنده محترم فقط از ۱۰ منبع استفاده کرده و در متن مقاله به آنها ارجاع داده است و از ۱۴ منبع دیگر هیچ اقتباسی صورت نگرفته و هیچ ارجاعی دیده نمی‌شود. بنابراین باید گفت که تعداد منابع این مقاله ۱۰ می‌باشد نه ۲۴.

منابع:

أبوسلیمان، ابراهیم عبدالوهاب، تحقیق علمی به زبان عربی و منابع پژوهش‌های عربی و تاریخی، ترجمه محمد باقر حسینی و ملیحه طوسی، چاپ اول، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۷.

خاکی، غلامرضا، روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات بازتاب، ۱۳۸۶.

الخفاجی، محمدعبدالمنعم، البحوث الأدبیه مناهجها و مصادرها، لاطبعة، بیروت، دار الکتب اللبنانیة، لاتاریخ.

خورشیدی و همکاران، روشهای پژوهش در علوم رفتاری، چاپ اول، تهران، انتشارات نوین پژوهش، ۱۳۷۸.

دلاور، علی، روشهای تحقیق در روانشناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۵.

- زرین کوب، عبدالحسین، *یادداشتها و اندیشه‌ها*، چاپ سوم، تهران، انتشارات جاویدان، ۲۵۳۶.
- سنو، اهیف، *محاضرات فی منهجیة البحث*، بیروت، جامعة القدیس یوسف، معهد الآداب الشرقیة، ۲۰۰۱.
- شلیبی، أحمد، *کیف تکتب بحثاً أو رسالته*، القاهرة: مکتبة النهضة المصریة، الطبعة الثامنة، ۱۹۷۴.
- صابری، علی، *المنهج الصحیح فی کتابة البحث الأدبی*، انتشارات شرح، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ضیف، شوقی، *البحث الأدبی: طبیعته، مناهجه، أصوله، مصادره*، القاهرة: دارالمعارف، الطبعة السابعة، ۱۹۷۲.
- طاهری نیا، علی باقر و بخشی، مریم، «سنجش تولیدات علمی گروه زبان و ادبیات عربی ایران»، (مقالات علمی پژوهشی از سال ۱۳۸۲-۱۳۸۶)، صفحه ۱۰۳-۱۲۸ *مجله انجمن زبان و ادبیات عربی*، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۸.
- فرامرز قرا ملکی، أحد، *روش‌شناسی مطالعات دینی*، چاپ اول، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۵.
- مشکین فام، بتول، *البحث الأدبی: مناهجه ومصادره*، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- میرزایی، فرامرز، پروینی، خلیل و سلیمی، علی، *تحلیل گزارش گونه مقالات چاپ شده مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، ص ۱۶۵-۱۸۱ *مجله انجمن زبان و ادبیات عربی*، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
- Hubbell, George, Shetton, Writting term Papers and Report, uthed. Newyork: Barnes and Barnes and Nodlel, 1969. P. 61.
- مجله علمی پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
- مجله علمی پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۵.
- مجله علمی پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
- مجله علمی پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۳۸۶.
- مجله علمی پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۶.
- مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۱۵۶، بهار ۱۳۸۶.
- مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۱۵۸، پاییز ۱۳۸۶.
- مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۱۵۹، زمستان ۱۳۸۶.
- مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۱۶۰، بهار ۱۳۸۷.
- مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران*، شماره ۱۷۸، بهار ۱۳۸۵.
- مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران*، شماره ۱۷۹، پاییز ۱۳۸۵.

- مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره ۱۸۱، بهار ۱۳۸۶.
- مجله علمی پژوهشی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه اهواز، شماره ۴، پاییز وزمستان ۱۳۸۳.
- مجله علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، جلد چهاردهم شماره ۲، ۱۳۸۳.
- مجله علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ویژه‌نامه زبان و ادبیات عرب، شماره ۵۲، زمستان ۱۳۸۳.
- مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ویژه‌نامه زبان و ادبیات عرب، شماره ۴۷ و ۴۸، پاییز وزمستان ۱۳۸۴.